

ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه بنیادهای اخلاقی در سه نمونه ایرانی

1. پگاه نجات*، 2. جواد حاتمی

1. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، 2. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه تهران

(تاریخ وصول: 97/05/25 - تاریخ پذیرش: 97/09/24)

Psychometric Properties of the Persian Version of Moral Foundations Questionnaire in Three Iranian Samples

1. Pegah Nejat*, 2. Javad Hatami

1. Assistant Professor of Psychology Group, Shahid Beheshti University, 2. Associate Professor of Psychology Group, Tehran University.

(Received: Aug. 16, 2018 - Accepted: Dec. 15, 2018)

Abstract

Introduction: Moral judgment is one of the subjects studied in social cognition. Moral Foundations Theory (MFT) is a recent theory in moral psychology which has an intercultural and intuitive approach to moral beliefs of people around the world. The current study is concerned with examining psychometric properties of a Persian version of the questionnaire associated with this theory, and comparing findings with available reports from the original version as well as other cultures. **Method:** Data are provided by three studies on Iranian samples: Golkar (2016) and phases II and III of Nejat (2016), with 280, 314, and 180 participants respectively, who responded to Moral Foundations Questionnaire (MFQ-30). Calculations of Cronbach alphas, as well as exploratory and confirmatory factor analyses were conducted and comparisons were made between genders in reliance on foundations. **Results:** Cronbach alphas for care, fairness and loyalty were relatively low and generally lower than obedience and sanctity. Exploratory factor analysis has led to a three-factor solution in phase II of Nejat (2016), and two-factor solutions in Golkar (2016) and phase III of Nejat (2016). Fit of data to the correlated five-factor model was acceptable. Women scored higher than men in care, fairness, and sanctity. **Conclusion:** Psychometric properties of the Persian MFQ, though not perfect in some respects, were comparable to those reported by other cultures, and therefore seem to be mainly caused by the complex nature of morality itself. Observed gender differences were similar to international findings and thus supportive of the known-groups validity for this questionnaire.

Keywords: Moral Psychology, Moral Foundations Theory, Moral Foundations Questionnaire, Validity, Iranian.

چکیده

مقدمه: قضاوت اخلاقی از موضوعات مورد مطالعه در شناخت اجتماعی محسوب می‌شود. نظریه بنیادهای اخلاقی نظریه‌ای اخیر در روان‌شناسی اخلاق است که رویکردی میان‌فرهنگی و شهودگرایانه به باورهای اخلاقی مردم جهان دارد. مطالعه حاضر به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه مرتبط با این نظریه و مقایسه یافته‌ها با گزارش‌های موجود از نسخه اصلی و سایر فرهنگ‌ها اختصاص دارد. **روش:** داده‌ها مربوط به سه مطالعه روی نمونه‌های ایرانی هستند: گلکار (1394) و مراحل دوم و سوم نجات (1395)، که دارای به ترتیب 280، 314 و 180 شرکت‌کننده بودند که به پرسشنامه بنیادهای اخلاقی (MFQ-30) پاسخ دادند. محاسبه آلفای کرونباخ برای تک تک بنیادهای اخلاقی و نیز تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی انجام شد و مقایسه میان‌جنسیتی در تکیه بر بنیادها صورت گرفت. **یافته‌ها:** آلفای کرونباخ بنیادهای مراقبت، انصاف و وفاداری نسبتاً پایین و عموماً کمتر از بنیادهای اطاعت و تقدس بود. تحلیل عاملی اکتشافی به راه حلی سه عاملی برای مرحله دوم نجات (1395) و راه حل دوعاملی برای گلکار (1394) و مرحله سوم نجات (1395) ختم شد. برازش داده‌ها به مدل پنج عاملی همبسته قابل قبول بود. نمره زنان در مراقبت، انصاف و تقدس بالاتر از مردان بود. **نتیجه‌گیری:** ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه بنیادهای اخلاقی اگرچه در برخی جنبه‌ها نه چندان عالی، اما قابل مقایسه با نتایج گزارش‌شده از سایر فرهنگ‌ها بود و بنابراین به نظر می‌رسد عمدتاً معلول ماهیت پیچیده خود اخلاق باشد. تفاوت‌های جنسیتی مشاهده‌شده مشابه با یافته‌های بین‌المللی و در نتیجه حامی روایی گروه‌های شناخته‌شده برای این پرسشنامه بود. **واژگان کلیدی:** روان‌شناسی اخلاق، نظریه بنیادهای اخلاقی، پرسشنامه بنیادهای اخلاقی، اعتبار، ایرانی.

Email: p_nejat@sbu.ac.ir

نویسنده مسئول: پگاه نجات

مقدمه

شمرده است. براساس اين نظريه، نوع بشر با آمادگي براي يادگيري باورهاي اخلاقي و تبعيت از قوانين مبتني بر اين پنج بنياد متولد مي‌شود و بسته به (خرده) فرهنگي كه فرد در آن رشد مي‌كند برخي بنيادها كاملاً باليده مي‌شوند درحاليكه برخي ديگر تقريباً نهفته باقي مي‌مانند، و به اين ترتيب، نيمرخ اخلاقي خاص هر فرد يا گروه كه بيانگر حساسيت‌ها يا ملاك‌هاي آنها براي ارزيابي درست/مخلط يا خوب/بد است بر بنيان اين پنج بنياد شكل مي‌گيرد.

بنياد مراقبت دلالت بر اهميت دادن به رنج ديگران، كمك‌رساني، و اجتناب از آسيب‌رساندن به افراد دارد. خيرخواهي و همدلي و از سوي ديگر پرخاشگري و خشونت‌گرايش‌هاي رفتاري مرتبط با اين بنياد هستند. بنياد انصاف بيانگر حساسيت نسبت به نشانه‌هاي نابرابري، تقلب و حقه‌بازي در روابط بوده و مفاهيم عدالت، انصاف، و مقابله به مثل را در بر دارد. بنياد وفاداري دلالت بر وظيف مثل از عضويت در گروه، مانند تلاش براي انسجام و پيشرفت گروه و هشيارى در مقابل خيانت ساير اعضا به گروه دارد. ملي‌گرايي و طرفداري از تيم‌هاي ورزشي از تظاهرات اين بنياد هستند. بنياد اطاعت و وظيف مرتبط با جاگاه فرد در سلسله‌مراتب‌هاي اجتماعي، از جمله تسليم و احترام در برابر افراد بالادست را شامل مي‌شود. مشروعيت بخشيدن به دولت، پليس و دستگاه قضا در اين بنياد جا دارد. بنياد تقدس ريشه در نگراني نسبت به آلودگي جسمي و روحي داشته و پاكي‌گي،

در موج اول مطالعات روان‌شناسي اخلاق، روان‌شناسان شناختي - تحولي نظير پياژه و كلبرگ با بررسي استدلال‌هاي كلامي افراد در مواجهه با معماهاي اخلاقي به مطالعه مراحل تحول درك اخلاقي پرداختند. موج دوم كه به دنبال افزايش توجه به فرايندهاي خودكار در روان‌شناسي اجتماعي شكل گرفت، روان‌شناسي اخلاق را از انحصار فرايندهاي شناختي سرد و آگاهانه رها ساخته و دو عنصر هيجان و خودكاري را در قالب مفهوم شهود اخلاقي¹ (هايت، 2001) به آن اضافه نمود (نجات، 1395). و به اين ترتيب، قضاوت اخلاقي افراد و همبسته‌هاي شناختي، عاطفي و اجتماعي آن در زمره موضوعات مورد مطالعه در شناخت اجتماعي فرار گرفت. اتخاذ چارچوبي نظري براي توصيف و تبين دغدغه‌هاي اخلاقي و اعتباريابي ابزاري براي سنجش آنها گامي ضروري در راستاي انجام مطالعات بومي در اين زمينه محسوب مي‌شود.

نظريه بنيادهاي اخلاقي² (هايت و جوزف، 2004؛ هايت و گراهام، 2007) شهودهاي اخلاقي مردم جهان از فرهنگ‌هاي متنوع را بر پنج نوع اساسي مراقبت/آسيب³، انصاف/تقلب⁴، وفاداري/خيانت⁵، اطاعت/يراندازي⁶، و تقدس/تنزل⁷ دانسته و آنها را بنيادهاي اخلاق

1. Moral intuition
2. Moral Foundations Theory (MFT)
3. Care-Harm
4. Fairness-Cheating
5. Loyalty-Betrayal
6. Authority-Subversion
7. Sanctity-Degradation

(2012)، و نگرش نسبت به گروه‌های اجتماعی (گراهام و همکاران، 2011) را پیش‌بینی کرده است. گراهام و همکاران (2011) در نمونه‌ای وسیع در سطح بین‌المللی، تکیه زنان بر بنیادهای مراقبت، انصاف و تقدس را بیشتر از مردان، و این تفاوت‌ها را حتی بزرگتر از تفاوت‌های میان - فرهنگی یافتند. مطالعاتی با استفاده از پرسشنامه بنیادهای اخلاقی در فرهنگ‌های مختلف انجام گرفته است (آلمان: بومن، 2010؛ ایتالیا: بویو، ننجینی و ساریکا، 2011؛ میلسی، 2016؛ برزیل: سیلویو و همکاران، 2016؛ پرتغال: آلمایدا و همکاران، 2015؛ ترکیه: ییلماز و همکاران، 2016؛ یالچینداگ و همکاران، 2017؛ چک: ورانکا، 2015؛ چین: ژانگ و لی، 2015؛ روسیه: سایچف و همکاران، 2016؛ سوئد: نیلسون و ارلاندسون، 2015؛ شیلی: بدرگال و همکاران، 2013؛ فنلاند: واینو و ماکینیمی، 2016؛ کرواسی: میکلوچیچ، ملاچیچ و میلان، 2016؛ کره جنوبی: کیم، کانگ و یون، 2012؛ لهستان: جارماکوفسکی و جارماکوفسکا، 2016؛ مجارستان: هدریکس و کنده، 2017؛ مغولستان: التانگرل، 2016؛ نیوزلند: دیویس، سیلی و لیو، 2014؛ هند: خان و استگنرو، 2015). در ایران، سیفی قوزلو (1391) به مطالعه رابطه تکیه خصلتی بر مراقبت، انصاف، وفاداری، اطاعت و تقدس با ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی در میان معلمان شهرستان مغان و همسران‌شان پرداخت. با این حال، نظر به کامل نبودن گزارش یافته‌های اعتباریابی وی و نیز وجود ابهاماتی در برخی گزاره‌های ترجمه‌شده‌اش در بررسی اولیه، پرسشنامه ترجمه‌شده وی توسط نجات (1395) در دو مرحله

محدودیت در روابط جنسی، و ممنوعیت‌های خوراکی را شامل می‌شود. این بنیاد همچنین زیربنای فعالیت‌های مذهبی و معنوی و دور نگه داشتن روح از امیال مادی است (گراهام و همکاران، 2013). مراقبت و انصاف بنیادهای فردگرایانه، و وفاداری، اطاعت و تقدس بنیادهای پیوندگرایانه خوانده شده‌اند (گراهام و همکاران، 2011). اخیراً اضافه شدن بنیاد ششمی تحت عنوان آزادی/سرکوب¹ به مجموعه پنج‌تایی بنیادهای اخلاقی مدنظر قرار گرفته است (ایر و همکاران، 2012). از منظر این بنیاد، هر گونه دخالت در زندگی افراد غیراخلاقی تلقی شده و رعایت حریم خصوصی، آزادی ابراز سلیقه و استعدادهای فردی، و حفظ مالکیت بر دارایی‌های شخصی محوریت دارد.

یکی از روش‌های رایج برای مطالعه روی بنیادهای اخلاقی خودگزارش‌دهی است که به واسطه پرسشنامه بنیادهای اخلاقی² (گراهام و همکاران، 2011) محقق شده است. نیمرخ اخلاقی حاصل از این پرسشنامه میانجی اثر ویژگی‌های فردی/محیطی بر بازه گسترده‌ای از رفتارها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌ها شناخته شده است. برای نمونه، نیمرخ اخلاقی توسط ابعاد دلبستگی (کالوا و همکاران، 2013) و ویژگی‌های شخصیتی (هرش و همکاران، 2010) پیش‌بینی شده، و نوع فیلم ترجیحی (بومن، یاکل و داگرو، 2012)، نحوه تفکر در مورد غذاها (ماکینیمی و همکاران، 2013)، جهت‌گیری نسبت به مسائل روز (کالوا و همکاران،

1. Liberty-Oppression

2. Moral Foundations Questionnaire (MFQ)

(1395)، 180 نفر دانشجوی در دسترس دانشگاه تهران در سال تحصیلی 1393_94 با میانگین سنی 21/47 سال ($SD = 2/58$) شرکت نموده و 48/9% زن بودند. نمونه گلکار (1394) مشتمل بر 280 نفر (60/4% زن) با میانگین سنی 29/73 سال ($SD = 7/90$) بود که به واسطه تبلیغ انجام شده در شبکه‌های اجتماعی برای پاسخگویی مراجعه نمودند.

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش: برای سنجش پنج بنیاد اخلاقی مراقبت، انصاف، وفاداری، اطاعت و تقدس از پرسشنامه بنیادهای اخلاقی 30 سواله (MFQ-30) استفاده شد. گراهام و همکاران (2011) با ساخت و اجرای این پرسشنامه روی یک نمونه اینترنتی 34476 نفری از کشورهای مختلف، پایایی باآزمون و اعتبار ساختار پنج عاملی آن را رضایت‌بخش یافتند. پرسشنامه با مقیاس‌های از نظر مفهومی نزدیک همبستگی داشته و الگوی تفاوت‌های میان - فرهنگی یافت شده در آن (روایی گروه‌های شناخته شده¹) نیز مطابق انتظار بود. آلفای کرونباخ بنیادها در پژوهش مذکور به قرار زیر بود: مراقبت 0/69، انصاف 0/65، وفاداری 0/71، اطاعت 0/74، و تقدس 0/84. این پرسشنامه از دو بخش ارتباط² و قضاوت³ تشکیل شده است و هر بنیاد اخلاقی توسط سه گزاره در بخش ارتباط و سه گزاره در بخش قضاوت نمایندگی می‌شود. در بخش ارتباط از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود اهمیت هر یک از ملاحظات مطرح شده را در قضاوت‌های خود از 0="اصلاً مهم نیست" تا 5="به شدت مهم

پژوهش ویرایش شد. سپس گلکار (1394) با بهره‌گیری از پرسشنامه‌ای کم و بیش مشابه با مرحله سوم پژوهش نجات (1395) دریافت میزان مجازاتی که افراد برای تخطی‌های اخلاقی تعیین می‌کنند توسط تکیه خصی ایشان بر بنیادهای زیربنای آن تخطی‌ها پیش‌بینی می‌شود. اخیراً نیز نیمرخ حساسیت‌های اخلاقی نوجوانان (ذکری و همکاران، 1396) و رابطه آن با سبک‌های دلبستگی به والدین و دوست مطالعه شده است (ذکری، 1396). نظر به اهمیت اطلاع از روایی نسخه فارسی پرسشنامه بنیادهای اخلاقی برای انجام مطالعات در حوزه روان‌شناسی اخلاق در ایران، مقاله حاضر به گزارش ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه در نجات (1395) و گلکار (1394) می‌پردازد. پژوهش نجات (1395) بنیاد آزادی را نیز علاوه بر پنج بنیاد قدیمی‌تر مورد سنجش قرار داده است. با این حال، آزادی همچنان به عنوان نامزدی برای بنیاد بودن مورد ارزیابی بوده و هنوز به طور رسمی در پرسشنامه بنیادهای اخلاقی ادغام نشده است (نقل مکاتبه شخصی با گراهام از یالچینداگ و همکاران، 2017). بنابراین، در مطالعه حاضر نیز این بنیاد جدا از سایر بنیادها مورد بررسی قرار گرفته است.

روش

گروه نمونه نهایی مرحله دوم نجات (1395) 314 نفر با میانگین سنی 22/19 سال ($SD = 4/36$) و 57/6% زن بودند و به شیوه در دسترس از میان دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی 1393_94 انتخاب شدند. در مرحله سوم نجات

1. Known-groups validity
2. Relevance
3. Judgment

استفاده از گزینه‌های انتهایی تعبیه شده است (گراهام و همکاران، 2011) که یکی (اهمیت ریاضی) در بخش ارتباط و دیگری (انجام کار خوب) در بخش قضاوت است و نمره آن‌ها محاسبه نمی‌شود. علیرغم توصیه سازندگان مبنی بر حذف برگزینندگان سه گزینه انتهایی نامربوط، نظر به دلایلی که پاسخگویان شفاهی مرحله دوم نجات (1395) در پاسخ به پیگیری محقق ارائه دادند این کار انجام نشد: بنا بر تفکر قالبی رایج، آشنایی یک نفر با علم ریاضی مترادف با تبعیت وی از منطق و استدلال است و در نتیجه به عنوان ملاکی برای قضاوت در مورد درستی اعمال آن فرد قابل اتکا است. به علاوه، افراد پرسش کار خوب را بیش از حد شعاری و ایده‌آل یافته و با انتخاب گزینه‌های میانی‌تر به نوعی واقع‌گرایی خود را ابراز می‌کنند. بنابراین، تلقی نمودن بی‌توجهی به عنوان تنها عوامل این انتخاب‌ها نوعی ساده‌انگاری بوده و ملاک مطمئنی برای غربالگری به نظر نمی‌رسد.

روش اجرا: در مرحله دوم نجات (1395) از پرسشنامه‌های کاغذی استفاده شد که 254 نفر (80/4%) به طور کتبی و باقی (19/6%) به صورت شفاهی (در مصاحبه‌ای ساختارمند) به آن پاسخ گفتند. در مرحله سوم نجات (1395) تمام شرکت‌کنندگان به پرسشنامه‌های کاغذی پاسخ دادند. مطالعه گلکار (1394) به صورت اینترنتی اجرا شد. این مطالعه بنیاد آزادی را در بر نداشت.

یافته‌ها

است"، و در بخش قضاوت نیز میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر کدام از گزاره‌ها از 0="به شدت مخالفم" تا 5="به شدت موافقم" مشخص کنند. نسخه مورد استفاده مرحله دوم نجات (1395) از ترجمه سیفی قوزلو (1391) که به تاریخ 2012 در پایگاه اینترنتی این نظریه¹ ثبت شده بود، با اعمال تغییرات نگارشی در ترجمه برخی گزاره‌ها حاصل شد. در مطالعه این محقق که روی 125 زوج متأهل اجرا شد، نتایج تحلیل عاملی رضایت‌بخش توصیف شده است. پرسشنامه بنیادهای اخلاقی مورد استفاده مرحله سوم نجات (1395) از پرسشنامه مورد استفاده مرحله دوم نجات (1395) با اعمال تغییراتی دیگر در گزاره‌ها به منظور کاهش ابهام به دست آمد. پرسشنامه مورد استفاده گلکار (1394) با حذف کلمه در پراتز "اعدام" از گزاره "کشتن (اعدام) یک انسان هرگز نمی‌تواند درست باشد" از پرسشنامه مرحله سوم نجات (1395) حاصل شد. نمره هر بنیاد اخلاقی با میانگین گرفتن از گزاره‌های مربوط به آن بنیاد به دست آمد. برای سنجش اهمیت بنیاد آزادی، از گزاره‌های تدوین‌شده ایر و همکاران (2012) که مشتمل بر دو گزاره به سبک بخش ارتباط و هفت گزاره به سبک بخش قضاوت بود استفاده شد. این نه گزاره توسط نجات (1395) به فارسی ترجمه شده و تحت داوری سه عضو هیئت علمی روان‌شناسی مسلط بر زبان انگلیسی قرار گرفت.

در پرسشنامه بنیادهای اخلاقی دو پرسش با هدف پایش توجه افراد در پاسخگویی و واداشتن آن‌ها به

1. www.moralfoundations.org

در مرحله دوم نجات بین 0/15 تا 0/54، در مرحله سوم نجات بین 0/21 تا 0/49، و در گلکار بین 0/15 تا 0/65 برای پنج بنیاد متغیر بود و به استثنای تقدس در مطالعه گلکار، در سایر موارد، آلفای بخش ارتباط هر بنیاد بالاتر از آلفای قضاوت همان بنیاد بود.

جدول 1 میانگین و انحراف استاندارد و مقادیر آلفای کرونباخ را برای شش بنیاد اخلاقی در سه نمونه گزارش می‌کند. آلفاهای بخش ارتباط پرسشنامه به تنهایی در مرحله دوم نجات (1395) بین 0/50 تا 0/69، در مرحله سوم نجات بین 0/51 تا 0/60، و در گلکار (1394) بین 0/53 تا 0/60 برای پنج بنیاد متغیر بود. آلفاهای بخش قضاوت نیز

جدول 1. میانگین، انحراف استاندارد و آلفای کرونباخ بنیادهای اخلاقی

گلکار (1394)			مرحله سوم نجات (1395)			مرحله دوم نجات (1395)			
α	SD	M	α	SD	M	α	SD	M	بنیاد اخلاقی
0/44	0/68	3/68	0/47	0/64	3/47	0/38	0/58	3/59	مراقبت
0/53	0/60	3/93	0/50	0/52	3/91	0/52	0/54	3/97	انصاف
0/57	0/80	3/26	0/58	0/71	3/41	0/47	0/67	3/42	وفاداری
0/69	0/94	2/74	0/66	0/76	2/93	0/67	0/82	2/95	اطاعت
0/74	1/03	3/22	0/70	0/72	3/63	0/74	0/80	3/56	تقدس
-	-	-	0/67	0/69	3/14	0/67	0/71	3/27	آزادی

برای استخراج عوامل زیربنای گزاره‌های پنج بنیاد اخلاقی، مطابق گراهام و همکاران (2011) از تحلیل عاملی اکتشافی با روش بیشینه احتمال و چرخش ابلیمین مستقیم استفاده شد. در هر سه مطالعه در ابتدا 9 عامل با ارزش ویژه بالاتر از یک استخراج شد. در مرحله دوم نجات (1395)، نظر به شکستگی نمودار سنگریزه، تحلیل با سه عامل تکرار شد (34/96% واریانس). در مرحله سوم نجات (1395) نیز بر اساس نمودار سنگریزه تحلیل با سه عامل اجرا شد. با این حال از آنجا که فقط چهار گزاره بر عامل سوم بار گرفته بودند به دو عامل محدود شد (28/52% واریانس). عامل اول در مرحله دوم نجات عمدتاً شامل اطاعت و تمام گزاره‌های تقدس، عامل دوم

با حذف گزاره کشتن در مرحله دوم نجات (1395) آلفای بنیاد مراقبت تا 0/49، با حذف گزاره ارتدبری آلفای انصاف تا 0/63، 0/62، و 0/58 به ترتیب در مرحله دوم و سوم نجات (1395) و گلکار (1394) و با حذف گزاره در خدمت گروه در مرحله دوم نجات آلفای وفاداری تا 0/54 افزایش یافت. سایر افزایش‌های آلفا در اثر حذف هر کدام از گزاره‌ها کمتر از 0/05 و ناچیز بود. پایین‌ترین همبستگی‌های گزاره - کل در سه مطالعه متعلق به گزاره‌های آسیب به حیوان و کشتن از بنیاد مراقبت، ارتدبری از بنیاد انصاف، در خدمت گروه از بنیاد وفاداری، و منافع همگانی و مالکیت خصوصی از بنیاد آزادی بود (جدول 3).

عمدتاً شامل گزاره‌های انصاف و مراقبت (البته به طور معکوس)، و عامل سوم نیز آمیخته‌ای از گزاره‌های وفاداری، اطاعت، مراقبت و انصاف بود. در مرحله سوم نجات، عامل اول عمدتاً شامل گزاره‌های مراقبت و تمام گزاره‌های انصاف، و

عامل دوم عمدتاً شامل گزاره‌های تقدس، اطاعت و وفاداری بود، البته دو گزاره بنیاد وفاداری (وفاداری و خیانت به گروه) نیز در صدر عامل اول بودند (جدول 2).

جدول 2. ماتریس ساختار حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی گزاره‌های پنج بنیاد اخلاقی

گلکار (1394)		مرحله سوم نجات (1395)			مرحله دوم نجات (1395)			گزاره		
همبستگی گزاره کل	عامل 2	عامل 1	همبستگی گزاره کل	عامل 2	عامل 1	همبستگی گزاره کل	عامل 2		عامل 1	
0/49	0/15	0/53	0/46	0/53	0/31	0/50	0/28	0/03	0/66	رفتار مطابق سنت‌ها (اطاعت)
0/32	0/40	0/39	0/30	0/24	0/39	0/53	0/04	-0/40	0/65	امر مشمئزکننده (تقدس)
0/51	0/07	0/58	0/45	0/49	0/22	0/53	0/32	-0/09	0/63	مشمئزکننده بی‌آسب (تقدس)
0/58	0/32	0/63	0/53	0/59	0/40	0/59	0/34	-0/42	0/57	پاکی و نجات (تقدس)
0/49	0/23	0/63	0/53	0/71	0/34	0/48	0/45	-0/25	0/53	رضای خدا (تقدس)
0/68	0/16	0/74	0/54	0/60	0/21	0/55	0/44	-0/15	0/50	عفت و پاکدامنی (تقدس)
0/29	0/38	0/35	0/25	0/28	0/51	0/33	0/21	-0/19	0/49	هرج و مرج (اطاعت)
0/34	0/02	0/51	0/23	0/47	0/02	0/38	0/37	-0/03	0/43	نقش‌های جنسیتی (اطاعت)
0/34	0/03	0/38	0/31	0/48	0/15	0/26	0/13	0/12	0/42	خلاف طبیعت (تقدس)
0/39	0/11	0/42	0/41	0/43	0/15	0/25	0/05	0/19	0/31	پیروی سرباز (اطاعت)
0/08	0/12	0/04	0/19	0/34	0/14	0/04	0/03	0/03	0/27	کشتن (مراقبت)

پگاه نجات و همکار: ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه بنیادهای اخلاقی در سه نمونه ایرانی

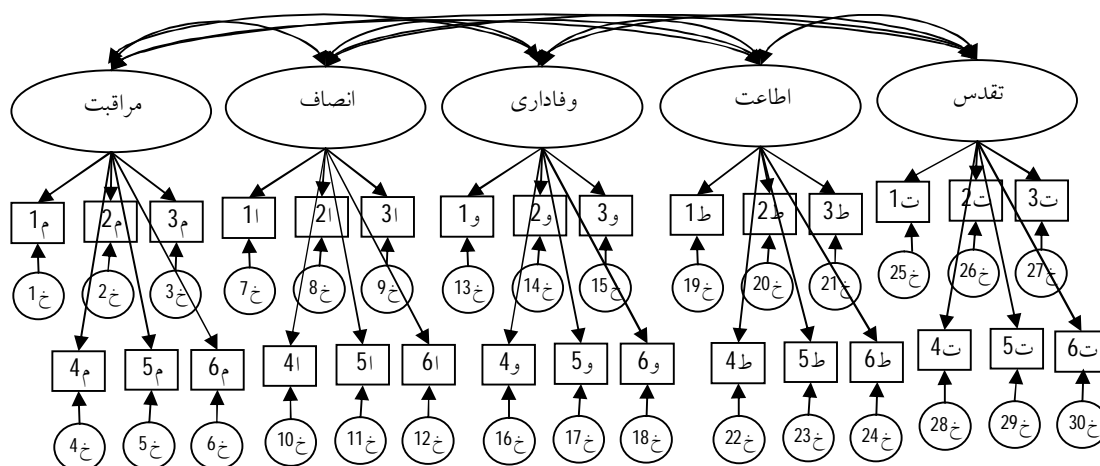
0/38	0/73	0/10	0/25	0/21	0/57	0/45	0/14	-0/75	0/09	پایمال شدن حقوق (انصاف)
0/41	0/67	0/14	0/41	0/21	0/62	0/22	0/12	-0/66	0/21	بی‌رحمی (مراقبت)
0/32	0/64	0/13	0/34	0/12	0/56	0/33	0/06	-0/66	0/01	رفتار غیرمنصفانه (انصاف)
0/24	0/47	0/14	0/29	0/17	0/58	0/28	0/12	-0/52	0/07	کمک به ضعیف (مراقبت)
0/27	0/40	0/07	0/37	0/15	0/43	0/36	0/21	-0/51	0/10	رفتار متفاوت (انصاف)
0/50	0/56	0/44	0/33	0/10	0/64	0/34	0/22	-0/50	0/16	وفاداری (وفاداری)
0/43	0/51	0/40	0/50	0/27	0/66	0/27	0/17	-0/42	0/17	خیانت به گروه (وفاداری)
0/36	0/60	0/10	0/22	0/09	0/23	0/27	0/17	-0/34	0/09	رنج عاطفی (مراقبت)
0/17	0/19	0/16	0/23	0/25	0/20	0/03	0/04	0/04	0/04	در خدمت گروه (وفاداری)
0/29	0/21	0/40	0/19	0/46	0/09	0/24	0/59	0/04	0/23	تاریخ کشور (وفاداری)
0/50	0/05	0/59	0/50	0/50	0/24	0/46	0/50	0/12	0/37	آموزش احترام به کودکان (اطاعت)
0/28	0/29	0/33	0/37	0/54	0/39	0/34	0/47	-0/30	0/26	عشق به کشور (وفاداری)
0/12	0/10	0/45	0/22	0/15	0/27	0/26	0/44	-0/24	0/16	رحم و دلسوزی (مراقبت)
0/34	0/25	0/30	0/34	0/18	0/28	0/22	0/44	-0/16	0/15	عدالت در جامعه (انصاف)
0/54	0/15	0/56	0/46	0/40	0/32	0/47	0/40	-0/09	0/39	احترام به مراجع قدرت (اطاعت)
0/24	0/08	0/45	0/34	0/25	0/25	0/23	0/37	0/04	0/13	وفاداری به خانواده (وفاداری)
0/34	0/21	0/19	0/33	0/27	0/35	0/36	0/35	-0/24	0/05	رفتار عادلانه دولت (انصاف)

0/18	0/25	0/06	0/14	0/13	0/11	0/12	0/15	-0/13	0/04	آسیب به حیوان (مراقبت)
0/18	0/12	0/12	0/09	0/02	0/13	0/09	0/09	-0/07	0/02	ارث‌بری ثروتمندان (انصاف)

همچنین دو گزاره وفاداری و خیانت به گروه بیش از سایر گزاره‌های بنیاد وفاداری گرایش به هم‌عامل شدن با مراقبت و انصاف نشان دادند (جدول 2).

همانند ایر و همکاران (2012)، تحلیل عاملی اکتشافی نه گزاره بنیاد آزادی با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس انجام شد. در هر دو مرحله دوم و سوم نجات (1395) سه عامل با ارزش ویژه بالاتر از یک استخراج شد. با این حال، نظر به شکستگی نمودار سنگریزه در عامل دوم، تحلیل با دو عامل تکرار شد (جدول 3).

در مطالعه گلکار (1394)، نظر به شکستگی نمودار سنگریزه تحلیل با سه عامل انجام شد. با این حال از آنجا که تنها دو گزاره بار بالای 0/3 بر عامل سوم داشتند، تحلیل به دو عامل محدود شد (18/30% واریانس). عامل اول عمدتاً شامل گزاره‌های اطاعت و تقدس و عامل دوم عمدتاً شامل گزاره‌های مراقبت و انصاف بود. گزاره‌های وفاداری بین دو عامل پراکنده بودند، به‌طوریکه گزاره‌های مربوط به خانواده و کشور روی عامل اول و سه گزاره دیگر روی عامل دوم بار گرفتند. در مجموع سه تحلیل، گزاره‌هایی که بیشترین تعداد بار عاملی زیر 0/3 را داشتند ارث‌بری، آسیب حیوان، کشتن، و در خدمت گروه بودند.



شکل 1. مدل ساختاری مورد استفاده در تحلیل عاملی تأییدی

جدول 3. ماتریس ساختار حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی گزاره‌های بنیاد آزادی به تنهایی

مرحله سوم نجات (1395)			مرحله دوم نجات (1395)			گزاره
همبستگی کل - گزاره	عامل 2	عامل 1	همبستگی کل - گزاره	عامل 2	عامل 1	
0/55	0/34	0/69	0/58	0/29	0/73	رفتن دنبال انتخاب
0/29	-0/14	0/70	0/33	-0/10	0/69	آزادی مالکان
0/36	0/15	0/56	0/34	-0/13	0/72	بهره‌گیری از ثروت
0/49	0/59	0/41	0/43	0/60	0/32	دخالت دولت
0/59	0/42	0/66	0/49	0/46	0/54	انتخاب آداب
0/29	0/71	0/03	0/44	0/26	0/57	تعیین تکلیف نکردن
0/20	0/67	-0/10	0/32	0/66	0/14	آزادی انجام کار
0/20	0/32	0/15	0/18	0/51	0/01	منافع همگانی
0/23	0/00	0/48	0/13	0/54	-0/10	مالکیت خصوصی

مثبت و با ضریب 0/3 یا بالاتر روی عامل مفروض خود بار گرفتند. در بنیاد وفاداری، گزاره در خدمت گروه در سه مطالعه، گزاره تاریخ کشور در دو مطالعه، و وفاداری به خانواده در یک مطالعه با رهایی کمتر از 0/3 داشتند، با این حال، بار گزاره در خدمت گروه از مرحله دوم نجات (1395) به بعد بهبود یافته است. در بنیاد انصاف، اثربری ثروتمندان در سه مطالعه، عدالت در جامعه در دو مطالعه، و رفتار عادلانه دولت در یک مطالعه بار کمتر از 0/3 داشتند. گزاره‌های ضعیف بنیاد مراقبت آسیب به حیوان و کشتن در سه مطالعه، و رحم و دلسوزی تنها در مطالعه گلکار (1394) بود. با این حال، بار گزاره کشتن در گلکار نسبت به مراحل دوم و سوم نجات بهبود داشت.

مدل ساختاری مورد آزمون در تحلیل عاملی تأییدی پنج بنیاد اخلاقی متشکل از پنج عامل همبسته بود که هر کدام توسط شش گزاره نمایندگی شدند (شکل 1). ضرایب مسیر و شاخص‌های برازش این مدل برای سه مطالعه در جدول 4 گزارش شده است. بر مبنای ملاک‌های رایج برازش خوب، یعنی کمتر بودن RMSEA از 0/08، کمتر بودن تقسیم‌خیزی دو بر درجه آزادی از 2، و بیشتر بودن CFI از 0/90 (میرز، گامست و گارینو، 2006)، مدل حاضر از نقطه نظر RMSEA و تا حدی نیز تقسیم‌خیزی دو بر درجه آزادی واجد کفایت برازش اما از نظر CFI نه چندان مطلوب ارزیابی می‌شود. تمام گزاره‌های منسوب به دو بنیاد اطاعت و تقدس به طور

جدول 4. ضرایب استاندارد مسیر و شاخص‌های برازش حاصل از تحلیل تأییدی مدل پنج عاملی همبسته

مسیر (بنیاد اخلاقی به گزاره)	مرحله دوم نجات (1395)	مرحله سوم نجات (1395)	گلکار (1394)
مراقبت ←	رنج عاطفی	0/34	0/60
	کمک به ضعیف	0/49	0/49
	بی‌رحمی	0/67	0/65
	رحم و دلسوزی	0/31	0/14
	اسیب به حیوان	0/15	0/27
	کشتن	-0/06	0/13
انصاف ←	رفتار متفاوت	0/53	0/43
	رفتار غیرمنصفانه	0/65	0/64
	پایمال شدن حقوق	0/75	0/68
	رفتار عادلانه دولت	0/31	0/26
	عدالت در جامعه	0/23	0/29
	ارث‌بری ثروتمندان	0/09	0/15
وفاداری ←	عشق به کشور	0/43	0/42
	خیانت به گروه	0/62	0/61
	وفاداری	0/72	0/64
	تاریخ کشور	0/18	0/43
	وفاداری به خانواده	0/21	0/36
	در خدمت گروه	0/02	0/25
اطاعت ←	احترام به مراجع قدرت	0/52	0/66
	رفتار مطابق سنت‌ها	0/69	0/60
	هرج و مرج	0/46	0/38
	آموزش احترام به کودکان	0/51	0/61
	نقش‌های جنسیتی	0/51	0/47
	پیروی سرباز	0/30	0/47
تقدس ←	پاکی و نجابت	0/74	0/71
	امر مشمئزکننده	0/62	0/39
	رضای خدا	0/64	0/65
	مشمئزکننده بی‌اسیب	0/58	0/56
	خلاف طبیعت	0/30	0/39
	عفت و پاکدامنی	0/61	0/80
خی دو تقسیم بر درجه آزادی	3/04	1/82	2/70
RMSEA	0/081	0/068	0/078
CFI	0/63	0/69	0/68

مرحله دوم نجات (1395) و گلکار (1394) میانگین زنان در تقدس نیز بالاتر بود ($ps < 0/01$)، تفاوت دو جنس در بنیاد وفاداری در هیچ‌کدام از سه مطالعه ($ps > 0/095$, $ts < 1/65$) و در آزادی در هیچ‌کدام از دو مطالعه ($0/275$)

اجرای آزمون‌های t مستقل به منظور مقایسه دو جنس در تکیه بر بنیادها نشان داد در هر سه مطالعه، زنان در مراقبت ($ps < 0/05$, $ts > 2/18$) و انصاف ($ps < 0/01$, $ts > 3/09$) میانگین بالاتری نسبت به مردان داشتند. در دو مطالعه

بودن شکل سؤال مطرح‌شده برای این بخش (ملاک‌های قضاوت) از دلایل قابل طرح برای این مسئله هستند.

اعتبار ساختاری. گزاره‌های مربوط به پنج بنیاد اخلاقی در مرحله دوم نجات (1395) به سه عامل کاهش یافت که می‌توان آن‌ها را سنت‌گرایی آمیخته با تقدس یا سنت‌گرایی لاهوتی (عامل اول)، فردگرایی (عامل دوم)، و جمع‌گرایی (عامل سوم) نامید. دو نمونه دیگر، گلکار (1394) و مرحله سوم نجات (1395)، به راه‌حل‌های دوعاملی ختم شدند که به میزان بیشتری به الگوی دوعاملی فردگرایانه - پیوندگرایانه به دست‌آمده در مطالعه گراهام و همکاران (2011)، بخصوص از نقطه‌نظر بنیادهای مراقبت، انصاف، اطاعت و تقدس نزدیک بود. با این حال، بنیاد وفاداری به سادگی خود را در قالب یکی از این دو عامل جای نداد؛ این احتمال قابل طرح است که در آن دسته از گزاره‌های وفاداری که روی عامل فردگرایی بار گرفتند، وفاداری بیشتر از منظر آسیب زدن یا مراقبت از ارتباطات فرد با افراد (جمع‌گرایی رابطه‌ای) و نه کلیت جمع یا گروه مدنظر باشد. در سایر فرهنگ‌ها نیز راه‌حل دوعاملی (فرد/پیوند گرایانه) رواج بیشتری داشت (مانند جارماکوفسکی و جارماکوفسکا، 2016؛ بویو و همکاران، 2011؛ سیلیوینو و همکاران، 2016؛ دیویسو همکاران، 2014؛ رنر و ورتز، 2015). با این حال، مشابه یافته‌های حاضر، گزاره‌های ضعیف و گزاره‌های بارگرفته روی عامل غیرمنتظره در برخی از آن‌ها قابل مشاهده

<math>ts < 1/09, ps ></math> معنادار نبود. در مرحله دوم نجات (1395)، در اطاعت ($p = 0/002$ ، $3/07 = t(312)$) نیز میانگین زنان بالاتر بود.

نتیجه‌گیری و بحث

همسانی درونی. همسانی درونی سه بنیاد مراقبت، انصاف و وفاداری در سه مطالعه حاضر نسبتاً ضعیف بود. وضعیت بنیادهای اطاعت و تقدس و تا حدی نیز آزادی از این نظر بهتر و قابل قبول بود، اما با آنچه معمولاً به عنوان همسانی درونی عالی تلقی می‌شود (آلفای بالای 0/80) فاصله داشت. مطالعات انجام‌شده در سایر فرهنگ‌ها از جمله برخی مطالعات امریکایی (مانند گلاور و همکاران، 2014) نیز وضع چندان مطلوب‌تری نداشته‌اند. اکثر پژوهش‌های مورد بررسی از سایر کشورها آلفای بین 0/5 تا 0/7 برای بنیادهای مراقبت، انصاف و وفاداری، و بین 0/6 تا 0/8 برای اطاعت و تقدس، و حتی در مواردی (التانگول، 2016؛ سایچف و همکاران، 2016) کمتر از 0/5 را گزارش نموده‌اند. گراهام و همکاران (2011) پایین بودن همسانی درونی خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه خود نسبت به اغلب پرسشنامه‌های روان‌شناسی را ناشی از تلاش برای پوشاندن حوزه پیچیده اخلاق توسط تعداد نسبتاً کمی گزاره دانسته‌اند. مشابه با برخی مطالعات دیگر (مانند التانگول، 2016، ژانگ و لی، 2015؛ گراهام و همکاران، 2011)، همسانی درونی بخش ارتباط تقریباً در تمام بنیادها کمتر از بخش قضاوت بود. تقدم گزاره‌های ارتباط و پیچیده

RMSEA بین 0/06 تا 0/08 بودند. بنابراین، علیرغم فاصله داشتن مدل‌های حاضر از ملاک-های آرمانی برازش در برخی موارد، در قیاس با مطالعات مشابه در سایر فرهنگ‌ها وضعیت نامناسبی ندارند.

تفاوت‌های میان‌جنسیتی. در هر سه مطالعه حاضر، زنان تأکید بیشتری بر مراقبت و انصاف، و در دو مطالعه همچنین تأکید بیشتری بر تقدس داشتند. این یافته همسو با یافته گراهام و همکاران (2011) در سطح بین‌المللی است و در نتیجه از اعتبار گروه‌های شناخته‌شده نسخه فارسی این پرسشنامه حمایت می‌کند. عدم مشاهده تفاوت میان‌جنسیتی در بنیاد آزادی نیز همسو با یافته یالچینداگ و همکاران (2017) در ترکیه است.

مقاله حاضر با انجام تحلیل‌های مربوط به روایی پرسشنامه بنیادهای اخلاقی فارسی و ارائه گزارش دقیق و قابل استنادی از آن بخصوص در زمینه ساختار عاملی، و مقایسه نتایج با یافته‌های خارجی، از سایر مطالعات ایرانی (سیفی قوزلو و همکاران، 1394؛ حسن‌نیا، خرمایی و شیخ-الاسلامی، 1394؛ سهراب‌پور، خلیلی و تکجو، 2016؛ نامور و همکاران، 2015) فراتر رفت. یافته‌های حاضر نشان داد این پرسشنامه از نظر ویژگی‌های روان‌سنجی به طور مطلق عالی نیست، اما از سویی با اهداف طراحی آن و پیچیدگی سازه اخلاق هماهنگ است (گراهام و همکاران، 2011) و از سوی دیگر به نسخه‌های مورد استفاده در اکثر فرهنگ‌های دیگر مشابهت دارد. در مواجهه با این کاستی، برخی محققان از دو

است. در خصوص بنیاد آزادی، الگوی بارگیری گزاره‌ها در دو مرحله نجات (1395) متفاوت از ایر و همکاران (2012) بود که در آن، گزاره‌های رفتن دنبال انتخاب، انتخاب آداب، و آزادی انجام کار روی یک عامل (آزادی سبک زندگی) و شش گزاره دیگر روی عامل دوم (آزادی اقتصادی/دولت) بار گرفته بودند. علت تفاوت الگوها می‌تواند تفاوت نحوه یا محتوای مورد تنظیم‌گری دولت‌ها در دو کشور باشد، به گونه‌ای که در ایران، آزادی سبک زندگی نیز جدا از دولت نیست. تبیین مشابهی از سوی یالچینداگ و همکاران (2017) مطرح شده است. پژوهش حاضر با ارائه اطلاعات مربوط به اعتباریابی این بنیاد در فرهنگ ایران به یافته‌های اندک موجود درباره این دغدغه اخلاقی تازه مطرح شده می-افزاید.

ساختار عاملی پنج‌بنیادی مفروض برای پرسشنامه بنیادهای اخلاقی تا حد خوبی در نسخه فارسی مورد استفاده در پژوهش حاضر قابل تأیید است. همچنین تغییرات اعمال‌شده در پرسشنامه بعد از مرحله دوم نجات (1395) به نفع ساختار عاملی مفروض بود. هیچ بنیادی بیش از دو گزاره ضعیف نداشت و قوت مسیرهای گزاره - بنیاد نیز علیرغم پایین‌تر بودن کلی نسبت به گراهام و همکاران (2011) از نظر الگو به آن نزدیک بود، یعنی مسیرهای مشابهی در دو مدل نسبت به مسیرهای همان مدل ضعیف هستند. مشابه با یافته‌های حاضر، مدل‌های پنج عاملی در سایر فرهنگ‌ها نیز اکثراً دارای CFI بین 0/6 تا 0/8 و

کاستی‌های مشاهده شده در پرسشنامه بنیادهای اخلاقی این پرسش اساسی را متبادر می‌سازد که آیا اساساً روش کتابخانه‌ای در پیش گرفته شده توسط پردازندگان نظریه بنیادهای اخلاقی حق مطلب را در مورد نحوه تمایز دغدغه‌های اخلاقی در بازنمایی ذهنی و فرآیندهای روانی افراد ادا می‌کند؟ آیا ممکن است دسته‌بندی دغدغه‌های اخلاقی با استناد به مفاهیم دیگری، برای مثال ماهیت هیجانات مرتبط با آن‌ها قابل توجیه‌تر باشد؟ حوزه‌های شناخت اجتماعی و عصب-شناسی اجتماعی در موقعیت خوبی برای پاسخگویی به این پرسش قرار دارند.

نظریه بنیادهای اخلاقی از ابتدای طرح با نقدهایی روبرو بوده است (مانند گری، ویتز و یانگ، 2012)، و در یکی از اخیرترین آن‌ها، سیمپسون (2017) به مناسب نبودن روش خودگزارشی برای سنجش بنیادهای اخلاقی که از جنس شهود هستند اشاره کرده است. استفاده از ابزارهایی غیر از پرسشنامه بنیادهای اخلاقی برای پژوهش درباره بنیادها، نظیر پرسش‌های پاسخ باز در مطالعه نجات، باقریان، شکری و حاتمی (1395)، آزمون رایانه‌ای در مرحله سوم نجات (1395)، و مطالعه مقایسه‌ای نجات، باقریان، حاتمی و شکری (1394) روی ویژگی‌های شناختی - انگیزشی بنیادها می‌تواند به پر کردن این خلأ و گشودن راههایی برای رفع این محدودیت در پرسشنامه بنیادهای اخلاقی کمک کند. با این وجود، مطالعات رو به افزایشی که این نظریه در فرهنگ‌های مختلف برانگیخته است

عامل فردگرایانه و پیوندگرایانه به جای بنیادها استفاده کرده‌اند (مانند هدریکس و کنده، 2017)، برخی گزاره‌های ضعیف را حذف نموده (مانند ژانگ و لی، 2015)، و برخی دیگر خود را به گزاره‌های بخش ارتباط محدود کرده‌اند (مانند التانگول، 2016).

بنا بر یافته‌های حاضر، گزاره‌های بنیاد وفاداری کمتر از گزاره‌های مربوط به چهار بنیاد دیگر تمایل به تبعیت از ساختار مفروض خود داشتند. در برخی نسخه‌های دیگر (التانگول، 2016؛ بومن، 2010) نیز به چنین مشکلی اشاره شده است. بر مبنای محتوای نا همگن این بنیاد اخلاقی می‌توان پیشنهاد نمود مطالعاتی برای روشن نمودن حدود و محتوای آن انجام شود. علاوه بر این، اعتبار ساختاری و همسانی درونی دو بنیاد مراقبت و انصاف نسبت به اطاعت و تقدس پایین‌تر بود. آسیب به حیوان و کشتن از بنیاد مراقبت، ارتشبری از بنیاد انصاف، و در خدمت گروه از بنیاد وفاداری گزاره‌هایی بودند که نسبت به سایر گزاره‌ها شواهد ضعیف‌تری از تعلق به بنیادهای مفروض خود نشان دادند. برخی مطالعات پیشین نیز یافته‌های مشابهی را در خصوص این گزاره‌ها گزارش داده‌اند (بومن، 2010؛ یالچینداگ و همکاران، 2017؛ ورنکا، 2015؛ بویبو و همکاران، 2011؛ سیلوینو و همکاران، 2016؛ کیم و همکاران، 2012؛ جارماکوفسکی و جارماکوفسکا، 2016؛ نیلسون و ارلاندسون، 2015). بنابراین شاید این ضعف بیش از آنکه مختص نسخه فارسی باشد به ماهیت این گزاره‌ها مربوط شود.

نشان از دستیابی آن به هدف تکثرگرایانه خود، یعنی لحاظ شدن تفاوت‌های فرهنگی در مطالعه

روان‌شناسی اخلاق دارد.

منابع

- حسن‌نیا، س.؛ خرمایی، ف. و شیخ‌الاسلامی، ر. (1394). رابطه علی سبک‌های دل‌بستگی با بنیان‌های اخلاقی از طریق واسطه‌گری هویت اخلاقی. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، 18، 75-98.
- ذکری، ف. (1396). رابطه سبک‌های دل‌بستگی با قضاوت و رفتار اخلاقی در نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.
- ذکری، ف.؛ مظاهری، م. ع.؛ حاتمی، ج. و نجات، پ. (1396). نیم‌رخ حساسیت‌های اخلاقی در نوجوانان دختر و پسر، فصلنامه روان‌شناسی معاصر، 12 (ویژه‌نامه مجموعه مقالات ششمین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران)، 717-721.
- سیفی قوزلو، س. ج. (1391). بررسی رابطه اخلاق، ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی در بین معلمان و همسرانشان در شهرستان مغان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- سیفی قوزلو، س. ج.؛ حمیدی، ا.؛ شریفی، گ. و خلیلی، ش. (1394). رابطه بین اخلاق، ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی در بین زوجین در شهر مغان. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، 16، 139-115.
- گلکار، ش. (1394). نقش انسانیت‌زدایی و هیجانات اخلاقی در رابطه نوع جرم و شدت مجازات تعیین‌شده برای آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- میرز، ل. اس.؛ گامست، گ. و گارینو، ا. جی. (2006). پژوهش چندمتغیری کاربردی، حسن‌پاشا شریفی، ولی‌الله فرزاد، سیمین‌دخت رضاخانی، حمیدرضا حسن‌آبادی، بلال ایزانلو، و مجتبی حبیبی، 1391، تهران: انتشارات رشد.
- نجات، پ. (1395). بررسی قضاوت اخلاقی در جامعه ایرانی از منظر کارکرد اجتماعی: اخلاق و نقش‌های اجتماعی. رساله دکتری منتشرنشده. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.
- نجات، پ.؛ باقریان، ف.؛ حاتمی، ج. و شکری، ا. (1394). بررسی ویژگی‌های شناختی - اجتماعی بازنمایی ذهنی دغدغه‌های اخلاقی: گروه‌بندی، جهت‌گیری انگیزشی و بافت ارتباطی بنیادهای

- اخلاقی. دوفصلنامه شناخت اجتماعی، 7، 126-109.
- بازنمایی ذهنی یک نمونه ایرانی از جامعه آرمانی و رفتارهای اخلاقی و غیراخلاقی، فصلنامه تازه-های علوم شناختی، 71، 39-27.
- Altangerel, B. (2016). *Mongolian Morality in the East and the West: Do Moral Values Change Through Acculturation?*. Unpublished Master's thesis, Tilburg University, Tilburg, Netherlands.
- Almeida, P. R., Seixas, M. J., Ferreira-Santos, F., Vieira, J. B., Paiva, T. O., Moreira, P. S., & Costa, P. (2015). Empathic, moral and antisocial outcomes associated with distinct components of psychopathy in healthy individuals: a Triarchic model approach. *Personality and Individual Differences*, 85, 205-11.
- Bedregal, P., Leon, T., Shand, B., & Mosso, L. (2013). Survey on moral judgment criteria among medical students. *Rev Med Chile*, 141, 704-9. [Text in Spanish]
- Bobbio, A., Nencini, A., & Sarrica, M. (2011). Il Moral Foundation Questionnaire: Analisi della struttura fattoriale della versione italiana [The Moral Foundations Questionnaire: Analysis of the factor structure of the Italian version]. *Giornale di Psicologia*, 5, 7-18.
- Bowman, N. (2010). German translation of the Moral Foundations Questionnaire – Some preliminary results. Retrieved from <http://onmediatheory.blogspot.se/2010/07/germantranslation-of-moral-foundations.html>
- ج. (1395). الگوی تکیه بر بنیادهای اخلاقی در نجات، پ.؛ باقریان، ف.؛ شکری، ا. و حاتمی، - Bowman, N. D., Jöckel, S., & Dogruel, L. (2012). A question of morality? The influence of moral salience and nationality on media preferences. *The European Journal of Communication Research*, 37(4), pp. 345-69.
- Deak, C., & Saroglou, V. (2017). Terminating a Child's Life? Religious, Moral, Cognitive, and Emotional Factors Underlying Non-Acceptance of Child Euthanasia. *Psychologica Belgica*, 57(1), 59-76.
- Davies, C. L., Sibley, C. G., & Liu, J. H. (2014). Confirmatory factor analysis of the Moral Foundations Questionnaire: Independent scale validation in a New Zealand sample. *Social Psychology*, 45, 431-36.
- Glover, R. J., Natesan, P., Wang, J., Rohr, D., McAfee-Etheridge, L., Booker, D. D., Bishop, J., Lee, D., Kildare, C., & Wu, M. (2014). Moral rationality and intuition: An exploration of relationships between the Defining Issues Test and the Moral Foundations Questionnaire, *Journal of Moral Education*, 43(4), 395-412.
- Graham, J., Haidt, J., Koleva, S., Motyl, M., Iyer, R., Wojcik, S., & Ditto, P. H. (2013). Moral foundations theory: The pragmatic validity of moral pluralism. *Advances in Experimental Social Psychology*, 47, 55-130.

- Graham, J., Nosek, B. A., Haidt, J., Iyer, R., Koleva, S., & Ditto, P. H. (2011). Mapping the moral domain. *Journal of Personality and Social Psychology, 101*, 366-385.
- Gray, K., Waytz, A., & Young, L. (2012). The moral dyad: A fundamental template unifying moral judgment. *Psychological Inquiry, 23*, 206-215.
- Hadarics, M., & Kende, A. (2017). Survey on moral judgment criteria among medical students. *Psychological Thought, 10*(1), 167-177.
- Haidt, J. (2001). The emotional dog and its rational tail: a social intuitionist approach to moral judgment. *Psychol Rev, 108*(4), 814-834.
- Haidt, J., & Graham, J. (2007). When Morality Opposes Justice: Conservatives Have Moral Intuitions that Liberals may not Recognize. *Social Justice Research, 20*(1), 98-116.
- Haidt, J., & Joseph, C. (2004). Intuitive ethics: How innately prepared intuitions generate culturally variable virtues. *Daedalus, 133*, 55-66.
- Hirsh, J. B., DeYoung, C. G., Xiaowen, X., & Peterson, J. B. (2010). Compassionate liberals and polite conservatives: associations of agreeableness with political ideology and moral values. *PersSocPsychol Bull, 36*(5), 655-664.
- Iyer, R., Koleva, S., Graham, J., Ditto, P., & Haidt, J. (2012). Understanding libertarian morality: the psychological dispositions of self-identified libertarians. *PLoS One, 7*(8), e42366.
- Jarmakowski-Kostrzanowski, T., & Jarmakowska-Kostrzanowska L. (2016). The Polish adaptation of Moral Foundation Questionnaire (MFQ-PL). *Psychologia Społeczna, 4*(39), 489-508. [Text in Polish].
- Khan, S. R., & Stagnaro, M. N. (2015). The influence of multiple group identities on moral foundations. *Ethics and Behavior, 26*(3), 194-214.
- Kim, K. R., Kang, J. S., & Yun, S. (2012). Moral intuitions and political orientation: Similarities and differences between Korea and the United States. *Psychological Reports: Sociocultural Issues in Psychology, 111*, 173-185.
- Koleva, S. P., Graham, J., Iyer, R., Ditto, P. H., & Haidt, J. (2012). Tracing the threads: How five moral concerns (especially Purity) help explain culture war attitudes. *Journal of Research in Personality, 46*(2), 184-194.
- Koleva, S., Selterman, D., Iyer, R., Ditto, P., & Graham, J. (2013). The Moral Compass of Insecurity: Anxious and Avoidant Attachment Predict Moral Judgment. *Social Psychological and Personality Science*.
- Mäkinen, J. P., Pirttilä-Backman, A. M., & Pieri, M. (2013). The Endorsement of the Moral Foundations in Food-Related Moral Thinking in Three European Countries. *Journal of Agricultural and Environmental Ethics, 26*(4), 771-786.
- Mikloušić, I., Mlačić, B., & Milas, G. (2016). *Construct validity of the Moral Foundations Questionnaire using self and peer ratings in Croatia*. Paper presented at the 2nd World Conference on Personality, Buzios, Brazil.

- Milesi, P. (2016). Moral foundations and political attitudes: The moderating role of political sophistication. *International Journal of Psychology*, 51(4), 252-60.
- Namvar, H., Ahadi, H., Sahraeiyan, M. A., & Jomehri, F. (2015). The relationship between family overall performance (focused on spouses) of MS married patients and on psychological indexes (hardiness, resiliency, hope): The mediation role of moral foundations and spiritual experiences. *International Journal of Biology, Pharmacy, and Allied Sciences*, 4(10), 1039-63.
- Nilsson, A., & Erlandsson, A. (2015). The moral foundations taxonomy: Structural validity and relation to political ideology in Sweden. *Personality and Individual Differences*, 76, 28-32.
- Renner, W., & Wertz, M. (2015). Value and Efficacy: The affective meanings of human values and their relationship to moral decisions. *International Journal of Business and Social Research*, 5(6), 44-55.
- Silvino, A. M. D., Pilati, R., Keller, V. N., Silva, E. P., Freitas, A. F. P., Silva, J. N., Lima, M. F. (2016). Adaptation of the Moral Foundations Questionnaire to Brazilian Portuguese. *Psico-USF*, 21(3), 487-95. [Text in Portuguese].
- Simpson, A. (under review). Moral Foundations Theory: Background, review, and scaffolding for future research. In V. Zeigler-Hill & T. K. Shackelford (Eds.), *Encyclopedia of Personality and Individual Differences*.
- Sohrabpour, G. h., Khalili, S., & Takjoo, J. (2016). The relationships between personal values, moral foundations, religiosity and identity styles among adolescents. *Sigmund Freud University Research Bulletin*, 1, 50-73.
- Sychev, O. A., Bepalov, A. M., Prudnikova, M. M., & Vlasov, M. S. (2016). Features of Moral Foundations in Mongol, German and Russian Adolescents. *Cultural-historical Psychology*, 12(1), 85-96. [Text in Russian].
- Vainio, A., & Makiniemi, J. P. (2016). How are moral foundations associated with climate-friendly consumption?. *J Agric Environ Ethics*, 29, 265-83.
- Vranka, M. (2015, October). *Moral Foundations Questionnaire (MFQ) v českém prostředí*. Paper presented at the 3rd Conference of Psychological Assessment Brno, Brno, Czech Republic.
- Yalçındağ, B., Özkan, T., Cesur, S., Yilmaz, O., Tepe, B., Ecem Piyale, Z., Biten, A. F., & Sunar, D. (2017). An Investigation of Moral Foundations Theory in Turkey Using Different Measures. *Curr Psychol*.
- Yılmaz, O., Harma, M., Bahçekapılı, H. G., & Cesur, S. (2016). Validation of the Moral Foundations Questionnaire in Turkey and its relation to cultural schemas of individualism and collectivism. *Personality and Individual Differences*, 99, 149-54.
- Zhang, Y., & Li, S. (2015). Two measures for cross-cultural research on morality: Comparison and revision. *Psychological Reports*, 117(1), 144-66.